نگاه

۲ کلمه با منتخبان شورا

سیدمصطفی تاجزاده

● ۱. تنها هنگامی از تجربیات تلخ گذشته درس گرفته‌ایم که از خودخواهی بپرهیزیم و حتی در زمانی که امکان قانونی آن وجود دارد، انحصارطلبی نکنیم. بر این اساس پیروزی اصلاحات و تداوم اعتدال و عقلانیت را در گرو آن می‌دانم که جای بهره‌برداری حداکثری از حقوق و اختیارات قانونی خود، بر مبنای برایند نیروها و مطالبات تصمیم بگیریم و عمل کنیم.

۲. به باور من هر که در هر زمان اراده کند تا از حداکثر حقوق و اختیارات خویش بهره ببرد. چنین شخصی، حقیقی یا حقوقی، از انصاف، همدلی و مشارکت‌جویی فاصله می‌گیرد و در اغلب موارد منزوی می‌شود و بسیاری از حقوق جاری خویش را نیز از دست می‌دهد. استفاده حداکثری از اختیارات قانونی هم‌مرز و شاید دقیق‌تر بگویم هم‌خانواده با انحصارطلبی است که ریشه بخش مهمی از تنازعات غیرضرور سیاسی به شمار می‌رود. برعکس استفاده از حقوق و اختیارات قانونی بر مبنای برایند نیروها و مطالبات جمعی یا ملی به پایداری جمع و جامعه یاری می‌رساند و غالبا به پیشرفت تدریجی ولی مستمر مجموعه می‌انجامد.

۳. من طرفدار تشکیل کابینه اعتدال و تدبیر و امید بر مبنای همین تجربه و نگاه هستم. همچنان که معتقدم در کلان‌شهرها که اصلاح‌طلبان پیروز قاطع انتخابات ۹۶ هستند، انتخاب شهردار و انتصاب همکارانش و نیز سیاست و برنامه‌هایی که دنبال می‌کنند، باید بر مبنای برایند نیروها و مطالبات همه قشرها باشد نه صرفا براساس خواست حزب یا جمعی که حداکثر مطلق آرا (نصف به‌علاوه یک) را در هر شورایی دارند، البته اگر بخواهیم شهرها و حتی روستاها را با تنش هرچه‌کمتر و با مشارکت هرچه‌بیشتر ساکنانش و نیز با تدوین و اجرای سیاست‌هایی هرچه جامع‌تر و بادوام‌تر اداره کنیم.

۴. من به تأسی از رئیس دولت اصلاحات به اولویت اصلاحات بر اصلاح‌طلبان معتقدم؛ اگر جایی امر دایر شود که فردی غیراصلاح‌طلب مسئولیت پذیرد اما سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاح‌طلبان پیش برود، بر انتخاب اصلاح‌طلبی که اجرای همان سیاست‌ها و برنامه‌ها به وسیله او بسیار دشوار و هزینه‌بر می‌شود، اولویت دارد. روشن است که شرط استفاده از نیروهای غیراصلاح‌طلب (افزون بر خصایص مثبت فردی، توان مدیریتی و فسادستیزی) تعهد به اجرای وعده‌ها و برنامه‌های رئیس‌جمهور و ایستادگی در برابر خودسری‌ها و نیز زیاده‌خواهی‌های دولت موازی است.

۵. درباره شهرداری‌ها نیز همین توصیه را دارم. برای مثال فرض کنیم ۱۱ نماینده شورای شهر تهران عضو یک حزب بوده و قادر باشند شهرداری هماهنگ با خود و برخلاف خواست ۱۰ نماینده دیگر شورا را برگزینند. سپس با هماهنگی با او همه مناصب شهرداری تهران را به حزب خود اختصاص دهند و تمام سیاست‌ها را نیز دقیقا براساس مانیفست حزب خویش تنظیم و تصویب کنند. این کار اگرچه قانونی است، اما به‌مصلحت نیست. چراکه «عاقلانه» و «عادلانه»بودن یک اقدام با «قانونی»بودن آن لزوما منطبق نیست. همچنان که نادرست‌بودن یک عمل سیاسی نیز همین حالت را دارد. در حالت ایجابی «مصلحت» و در وضعیت سلبی «عدالت» مناسبت و می‌توان و باید بر آن دو پایه عمل کرد.

۶. درست است که تأکید اصلاحات همواره بر «حاکمیت قانون» است و عبور کم‌هزینه و مسالمت‌آمیز از شرایط حساس کنونی را با «اجرای کامل قانون اساسی» ممکن می‌داند، اما «مصلحت» کشور و مردم در گرو بهره‌برداری «مصلحانه» از اختیارات قانونی است، نه «استحصال بی‌رویه» از حقوق قانونی خود. ما برای مصالح بزرگ‌تر می‌توانیم و باید از بخشی از حقوق خویش بگذریم تا حقوق مهم‌تری را برای همگان تثبیت کنیم و مردم را به پذیرش تکثر و به‌رسمیت‌شناختن منتقدان و مخالفان تشویق کنیم. ما برای گذار به دموکراسی و تثبیت آن به «فرهنگ»، «مناسبات» و «نهادهای دموکراتیک» نیازمندیم و پیش و بیش از دیگران باید در جهت توسعه و تثبیت آنها بکوشیم و الگوی مناسبی از «بینش»، «روش»، و «منش» دموکراتیک عرضه کنیم.

۷. پیشنهاد من به اعضای محترم شورای کلان‌شهرها آن است که حتی‌الامکان براساس توافق در حد اجماع حرکت کنند. اگر در مرحله‌ای دستیابی به چنین اجماعی حاصل نشد، بکوشند رضایت و مشارکت اعضایی را که به هر دلیلی در مرحله قبل همراه نشدند، برای مراحل بعد جلب کنند و در هر حال اجازه ندهند راهبرد مهلک «پیاده‌کردن افراد از قطار در هر ایستگاه» بر روند اصلاحی حاکم شود. اصلاح‌طلبان باید در عمل نشان دهند که می‌توانند با وجود اختلاف‌نظر بین اعضای شورا و حتی با وجود طرح‌شدن علنی آنها، نمایشی از همدلی و همکاری و انسجام برای خدمتگزاری به مردم ارائه کنند که الگوی همگان، حتی اصولگراها شود و به همه ارکان مدیریت تعمیم یابد.

politics@sharghdaily.ir

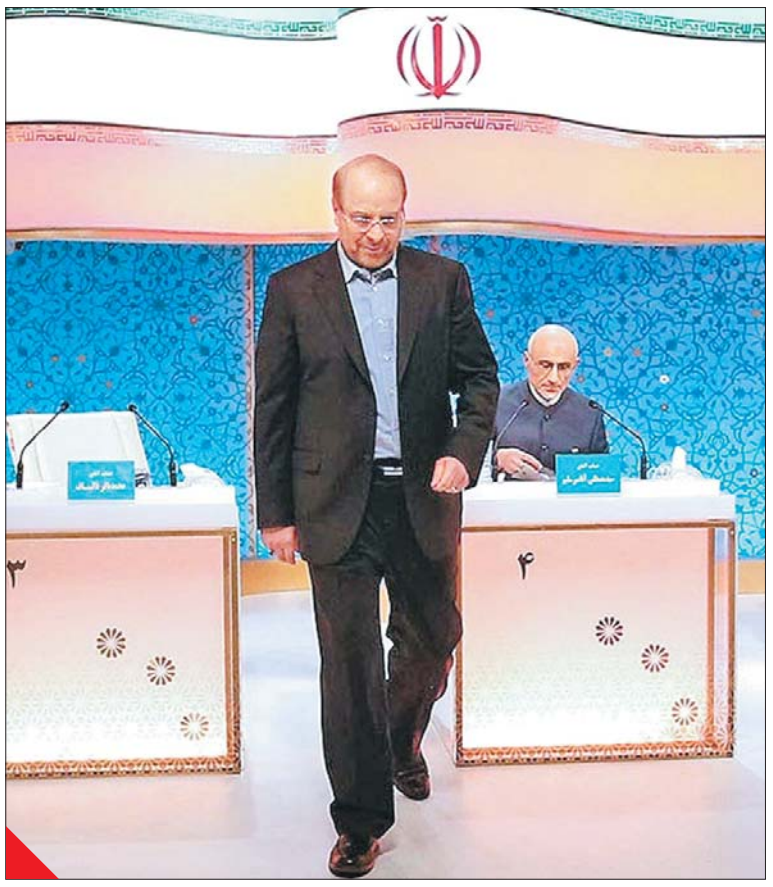

عکس: جام جم

جدل توییتری میرسلیم و حامی قالیباف

کدام اصول؟

مهسا جزینی: آن سال اگر حامیان قالیباف با حامیان سعید جلیلی و نزدیکان آیت‌الله مصباح درگیر شدند، این‌بار درگیری به زمین مؤتلفه منتقل شده است. اصولگرایان بعد از دو دوره شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری به‌جای آسیب‌شناسی، دچار دعوایی درونی می‌شوند؛ دعوای مقصریابی. در سال ۹۲ حمله را نزدیکان قالیباف شروع کردند با این عنوان که اگر سعید جلیلی کنار کشیده بود، ما می‌بردیم. این‌بار اما توپخانه را مؤتلفه آتش کرده است. بعد از سخنان نامزد اصلح سنتی‌های اصولگرا در انتخابات ۹۴ علیه قالیباف و اعتراف به تخلفات گسترده در شهرداری، حامیان قالیباف هم در فضای مجازی شروع به واکنش کرده‌اند. مصطفی میرسلیم در گفت‌وگویی که اخیرا با روزنامه ایران داشته، تأیید کرده که قالیباف و یارانش در شهرداری تخلفاتی داشته‌اند که باید رسیدگی می‌شده. او دیروز هم دوباره در توییتی نوشت: «سرانجام تخلفات شهرداری‌های مناطق آشکار خواهد شد؛ تخلفاتی که قالیباف نیز شخصا از آن می‌نالید. کتمان آن به بهانه وحدت، جفا به اصولگرایی است». این حمله به قالیباف البته با طرح «ایده نواصولگرایی» از سوی او هم‌زمان شده است، تا جایی که حامیان شهردار فعلی معتقدند که تخریب قالیباف به بهانه طرح ایده‌ای است که منافع برخی از اصولگرایان با آن به خطر می‌افتد. سیدمحمود رضوی، از نزدیکان قالیباف، در توییتی واکنشی به میرسلیم دیروز نوشت: «نواصولگرایی یعنی به‌خطرافتادن همه منافع میرسلیم نماینده دارودسته پیرمردها تمام شده و آشنایان فقه و اصول‌خوانده نان به نرخ روزخور فارغ». بازی‌های زبانی هر دو گروه به کنار اما به نظر می‌رسد که اصل ماجرا، سر بازکردن زخم ناکامی در انتخابات بعد از یکی، دو ماه دندان سر جگرگذاشتن است. زخمی که به نظر نمی‌رسد به این زودی‌ها التیام پیدا کند و تا مدتی حامیان هر سه نامزد اصولگرا برای پیداکردن مقصر، حملات به یکدیگر را ادامه خواهند داد. شاید هم به قول حامی قالیباف، طرح ایده «نواصولگرایی» یا به‌عبارتی عبور از اصولگرایی فعلی به مذاق قدیمی‌ها و سنتی‌های طیف ناخوش آمده است. همین ناخوش‌آمدگی است که باعث می‌شود رازهای مگو فاش شوند یا به قول میرسلیم آنچه تا پیش از این لازمه وحدت بود؛ یعنی سرپوش‌گذاشتن روی تخلفات و اشتباهات آشکار، حالا فاش شود. وقتی قالیباف با ژست مدعی یا طلبکار انتخابات از نواصولگرایی پرده‌برداری می‌کند، آن‌هم درحالی‌که به ادعای حامیانش، هم مزیت نسبی و هم رأی بالاتری در نظرسنجی‌ها نسبت به رئیسی داشته است، طبیعی است دیگرانی که چنین ادعایی را برای قالیباف زیاده از وزن و قد او در اصولگرایی می‌پندارند، ساکت نمانند.

وحدت وسیله‌گرا

وحدت برای اصولگرایان در زمانی خاص معنی پیدا می‌کند. بعد از شکست، وحدت به محاق می‌رود تا وقتی دیگر مثل ۱۴۰۰. آنها اگرچه مدعی اصول هستند، اما کنش سیاسی‌شان در این مدت نه‌تنها نشانی از این اصول ندارد که چه‌بسا برعکس اصطلاح «وسیله هدف را توجیه می‌کند» را بیشتر به یاد می‌آورد. نمونه‌اش همین سخنان میرسلیم در گفت‌وگو با روزنامه ایران است. با وجود اینکه می‌گوید: «آقای قالیباف دیگر نمی‌ماند. تمام شد، اما هرجا باشد باید مواظب او بود که خلافی نکند. اینها برای جامعه ما بسیار مضر است... من گفتم در مورد عملکرد شهرداری که در رأس آن آقای قالیباف است، خلاف‌هایی وجود دارد که باید رسیدگی شود... فرض کنید انتخابات به دور دوم می‌رفت و رقابت بین من و آقای قالیباف بود. در آن شرایط البته آنچه را لازم بود می‌گفتم»، اما وقتی از او سؤال می‌شود که آیا نگران این نیستید که این شائبه ایجاد می‌شد که برای رأی‌آوری، افشاگری می‌کنید، نه برای مبارزه با فساد؟ در پاسخ می‌گوید: «بله ظاهرا حرف شما درست است. در انتخابات اول رقیب اصلی نباید فراموش شود و اشکالات مهم‌تر نباید تحت‌الشعاع اشکالات کوچک‌تر قرار گیرد». میرسلیم در گفت‌وگویش، قالیباف، هم‌جناحی‌اش را فردی توصیف می‌کند که باید مراقب او بود تا خلافی نکند! اما نمی‌گوید پس این اشکالات مهم‌تری که او را وادار به سکوت در برابر چنین فردی می‌کند چیست؟! میرسلیم بی‌توجه و بی‌اهمیت نسبت به قضاوتی که جامعه نسبت به سخنان و به‌تبع آن نگاهی که نسبت به سنتی‌ترین حزب اصولگرا ایجاد خواهد شد، صراحتا افشاگری درباره تخلفات قالیباف را به‌عنوان برگ برنده خودش نگه داشته بوده برای روز مبادا؛ زمانی که احتمالا در بازی رقابت کسی نمی‌مانده جز او و قالیباف؟! و چون این زمان هیچ‌وقت فرانرسید، پس به زعم او دلیلی هم برای افشاگری وجود نداشته یا ندارد.

کدام اصول و کدام نواصولگرایی؟

قالیباف در نامه‌اش با انتقاد از اخلالی که در سر جریان اصولگرایی رخ داده است، دستور آتش‌به‌اختیاری به بدنه جریان داده بود، اما حسین کنعانی‌مقدم با انتقاد از این نامه گفته بود: «قالیباف در بحث سیاسی در جایگاهی نیست که بخواهد روی جریان اصولگرایی اثرگذاری داشته باشد». ابراهیمی، عضو جامعه روحانیت مبارز، هم با اشاره به اینکه طرح نواصولگرایی باعث بن‌بست درون این جریان می‌شود، گفته بود: «چنین اتفاقی نباید بیفتد... همه تلاش اصولگراها باید این باشد که در مسیر وصیت‌ها و توصیه‌های امام(ره)، رهنمودهای مقام معظم رهبری و حفظ همه ارزش‌های اسلامی حرکت و فعالیت کنند. اگر کسی به اینها اعتقاد نداشته باشد، اصولگرا نیست».

امیر محبیان، تحلیلگر و روزنامه‌نگار متعلق به جناح اصولگرا، مدت‌هاست فریاد می‌زند که اصولگرایان باید شاخص‌های اصولگرایی را تبیین و تعریف کنند و انتخاب‌هایشان بر مبنای این شاخص‌ها باشد. او در توصیفی از اصولگرایی مدنظر خود گفته بود: «به باور من؛ ارزش اصولگرایی به استحکام عقیدتی اصولگرایان و صداقت سیاسی و برقرارکردن تناسب میان سیاست و دین است. اصولگرایان اگر در بازی‌های ماکیاولیستی سیاسی بیفتند؛ همه‌چیز را باخته‌اند و اگر هم انتخابات را می‌بردند، بی‌گمان در درازمدت باخته بودند؛ چون پیروزی ما در پیروزی دین و ارزش‌های الهی و انسانی آن است. ما حق نداریم ارزش‌های دینی را قربانی کسب قدرت کنیم. به عبارت خلاصه، اگر ما در چارچوب ارزش‌های الهی در میدان سیاست و هر میدانی حرکت کنیم؛ چنانچه ظاهرا هم ببازیم، پیروزیم و اگر باورها و ارزش‌های دین را دست‌افزار قدرت کنیم، حتی اگر قدرت را هم به دست آوریم، شکست خورده‌ایم. این تعریف من از اصولگرایی است». حالا وقتی تعریف محبیان را که احتمالا بسیاری از اصولگرایان هم به آن معتقدند در کنار سیاست‌ورزی مؤتلفه و میرسلیم و باز کنار مسائلی چون حمایت رئیسی و سایر اصولگرایان از تتلو و دفاع تمام‌قد از او یا موارد دیگر می‌گذاریم، آیا حق داریم این سؤال را هم بپرسیم که پس این اصولی که اصولگرایان مدام روی آن تأکید می‌کنند چیست و کجاست؟

ادامه از صفحه ۷

انذارهای تاجیک به اصلاح‌طلبان

همه اینها می‌تواند قسمتی از این فضا باشد، اما باز توصیه من این است که در شرایط کنونی باید از ایجاد شکاف در رأس هرم جامعه پرهیز کرد.

● وقتی ما مردم را به وحدت دعوت می‌کنیم نباید خودمان ایجادکننده شکاف و انشقاق در جامعه باشیم. به‌هرحال بسیاری از مردم «علی دین ملوکهم» هستند؛ به ملوک و نخبگانشان تأسی می‌کنند و وقتی می‌بینند که در میان نخبگان مصاف خونینی برپاست و هرکس تلاش می‌کند عمارت خود را بر ویرانه دیگری بنا کند، دیگر این مصاف در قاعده هرم جامعه جاری می‌شود و در شرایط کنونی که با هجمه‌های زیاد بیرونی مواجه هستیم، در داخل مشکلات عدیده‌ای داریم، در منطقه کمپ‌هایی دارد علیه ما شکل می‌گیرد و در فضای بین‌المللی قدرت‌های بزرگ علیه ما عمل می‌کنند، باید صبورتر و بابصیرت‌تر عمل کرد و از حاشیه‌ها کاست و در متن توفنده‌تر، شاداب‌تر و مدبرتر حرکت کرد.

● همه ما می‌دانیم که در شرایط کنونی در پس و پشت شورای شهر نوعی مصاف و رقابت برپاست؛ توجه داشته باشیم که چنین روند و فرایندی حتما به ارزش‌های اصلاح‌طلبی، روح لطیف جریان اصلاح‌طلبی و باورهای جوانان و اقشاری که به جریان اصلاح‌طلبی دل بسته‌اند و آن را متفاوت می‌دانند از جریاناتی که همه هدفشان کسب قدرت است، لطمه خواهد زد. اجازه دهیم ملاک‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند و آنها تعیین‌کننده باشند. در غیر این صورت، چنانچه لطمه‌ای از این رهگذر به جریان اصیل اصلاح‌طلبی وارد شود، امثال من گریزی ندارند جز اینکه آنچه را در پس پرده‌ها از سوی برخی می‌گذرند روی دامن آفتاب بیندازند و آشکار کنند و این هم به‌نفع جریان اصلاح‌طلبی نیست.

● چون اگر نتوانیم در شورای شهری که مردم به تمام لیست ما رأی دادند موفق عمل کنیم، چهار سال آینده را واخواهیم گذاشت. کسی اجازه ندارد چنین لطمه‌ای به جریان اصلاح‌طلبی بزند. ما نباید نوک بینی را ببینیم و نباید فقط منافع زودگذرمان را پوشش دهیم و برای اینکه بتوانیم شهردار را از خودمان بگذاریم، به هر حشیشی متوسل شویم و هر حرکتی را انجام دهیم.

● ما نیاز داریم به همین بزرگی که مردم راجع به ما عمل کردند به آنها پاسخ دهیم؛ در غیر این صورت هزینه خواهیم پرداخت و کسی اجازه ندارد این هزینه را متوجه جریان اصلاح‌طلبی کند.

نگاه مثبت طیف‌های مختلف بهارستان به حضور وزیر زن

اینکه بگویند مراجع با حضور زنان در کابینه مشکل دارند، درست نیست

شرق: فراکسیون زنان مجلس دوساله شد. آنها تا اینجای کار، کارنامه به نسبت موفقی داشته‌اند و کماکان به دنبال تحقق برخی طرح‌ها برای حمایت از حقوق زنان‌اند. تغییر در قوانین گذرنامه با هدف خروج آسان برخی زنان از کشور، افزایش سن ازدواج و تلاش برای تغییر قانون فعلی تابعیت از جمله این تلاش‌هاست. از اینها گذشته آنها در بزنگاه طرح مباحثی مانند انتصاب وزیر زن، سنگ تمام گذاشته‌اند و مدام پیغام و پیام می‌دهند که وزیر زن فراموش نشود. فهرستی تهیه کرده‌اند و به مقام‌های دولتی داده‌اند. نماینده فرستاده‌اند تا رئیس‌جمهوری از ضرورت انتصاب وزیر زن آگاه باشد. ۱۵۷ امضا جمع کرده‌اند تا برای تاریخ فعالیت زنان ایران یادگار بماند که زنان مجلس خواهان اختصاص صندلی‌هایی از کابینه حسن روحانی به زنان هستند. پروانه سلحشوری، رئیس فراکسیون زنان مجلس با بی‌اساس‌خواندن برخی چالش‌های پیش روی تحقق این مطالبه می‌گوید: «اینکه بگویند مراجع با حضور زنان در کابینه مشکل دارند، درست نیست چراکه حتی آقای احمدی‌نژاد نیز یک وزیر زن در دولت داشت». او با تأکید بر اینکه این مطالبه صرفا خواسته فراکسیون زنان نبوده و علاوه بر این فراکسیون، جامعه زنان کشور خواستار استفاده از این ظرفیت در کابینه است، یادآور شده «در کشورمان زنان توانمند بسیاری داریم که می‌توانند در سطح وزارت فعالیت کنند و ما هنوز ناامید نیستیم و تلاشمان را خواهیم کرد که حداقل یک وزیر زن در کابینه دوازدهم حضور داشته باشد».

تلویحا رد شد

سلحشوری گفت: «نمایندگان به‌هیچ‌عنوان با نگاه جنسیتی و سیاسی به این مسئله نپرداخته‌اند و آن را به عنوان ضرورتی در توسعه سیاسی می‌دانند و آقای روحانی نیز باید این موضوع را در نظر بگیرد که مجلس همراه او است و حداقل باید یک زن در کابینه حضور داشته باشد». او به ضیافت افطاری فعالان زن با رئیس‌جمهوری اشاره دارد و اینکه «در آن دیدار رئیس‌جمهوری تلویحا این موضوع را مطرح کرده بود که وزیر زن در کابینه حضور ندارد چراکه لازم است مدارج و مراتب مدیریتی از سوی افراد طی شود و برای معرفی وزیر زن ابتدا باید از آنها در مناصب پایین‌تر استفاده شود». به گفته او «بنا بر ماده ۱۱۶ برنامه ششم توسعه موضوع عدالت کیفیتی مطرح شد که این ماده نقشی کلیدی در ارتقای جایگاه زنان در جامعه دارند و علاوه بر آن ارتقای جایگاه سازمانی زنان نیز مورد توجه قرار گرفت که اگر این مسئله به خوبی اجرائی شود مشکلات در معرفی وزیر زن نیز مرتفع خواهد شد».

باید حضور زنان را در مجلس افزایش دهیم

طرح تبعیض مثبت برای اعمال سهمیه زنان در مجلس از دیگر طرح‌های در دستور کار فراکسیون زنان است. سلحشوری گفته «باید راهکاری بومی و منطبق با تقسیم سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی کشور خودمان تهیه کنیم تا بتوانیم حضور زنان را در مجلس افزایش دهیم. البته تاکنون با موردی از اعمال تبعیض مثبت برای زنان در کابینه و دولت‌ها مواجه نشده‌ام اما اعمال تبعیض مثبت در فهرست‌های انتخاباتی با آنچه قصد داریم در این طرح به انجام برسانیم متفاوت است». او همچنین تأکید دارد «فهرست‌های انتخاباتی یک جریان سیاسی با رویکردی که دولت‌ها در نظر می‌گیرند و تبدیل به قانون می‌شود، تفاوت دارد. ما قصد داریم این طرح را به صورت قانون مصوب کنیم چراکه ممکن است زمانی درصدی از فهرست اصلاح‌طلبان به زنان اختصاص داده شود اما رأی نیاورند یا رویکرد رقیب متفاوت باشد؛ بنابراین باید به جای سهمیه‌بندی از سوی احزاب این موضوع را از دولت بخواهیم و آن را تبدیل به قانون کنیم». در کشورهایی مانند پاکستان و افغانستان سیستمی تحت عنوان تبعیض مثبت وجود دارد که برای زنان در پارلمان سهمیه در نظر می‌گیرد که بر این اساس ۶۰ نفر از ۲۷۰ نماینده مجلس پاکستان باید زن باشند که البته هم‌اکنون تعداد حاضر در پارلمان پاکستان بیش از رقم در نظر گرفته‌شده در تبعیض مثبت بوده و بیش از ۶۰ نماینده زن در مجلس فعال هستند و این در حالی است که ۷.۲۷ درصد از کرسی‌های پارلمان افغانستان در اختیار زنان است و از قضا یکی از برنامه‌های آینده فراکسیون زنان که اقدامات اولیه آن نیز انجام شده و همکاری‌هایی را با مرکز پژوهش‌ها انجام دادیم، اعمال سهمیه‌بندی برای حضور زنان در پارلمان است که در قالب یک طرح پیشنهاد خواهد شد.

طرح افزایش سن ازدواج

طرح افزایش سن ازدواج از دیگر برنامه‌های فراکسیون زنان است. سلحشوری می‌گوید: «با پدیده کودک‌همسری مواجه هستیم و متأسفانه شاهدیم دختران ۹ساله با اذن پدر می‌توانند ازدواج کنند؛ بنابراین طرحی تهیه کردیم که سن ازدواج را افزایش داده و آن را به ۱۵ تا ۱۶ سال برسانیم چراکه دستیابی به سن ۱۸ سال بسیار دشوار است و باید تغییراتی نیز درخصوص اذن پدر برای ازدواج دختران اعمال کنیم».